

R. Saberi far, Ph.D

E.mail:Saberifar@yahoo.com

دکتر رستم صابری فر، عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

شماره مقاله: ۷۵۰

شماره صفحه پیاپی ۱۵۴۳۵-۱۵۴۵۸

بررسی تحلیلی حاشیه نشینی در شهر بیرجند: مطالعه موردی منطقه کارگران

چکیده

حاشیه‌نشینی به عنوان عدم تعادل فضایی توزیع جمعیت، مشکلات متعددی را برای کشور به وجود آورده است. این پدیده در بعضی از جوامع، معلول کشش طبیعی قطب‌های صنعتی، شغلی، رفاهی و اداری است و در بعضی دیگر از جوامع، بیکاری و فقر عامل آن است. این شرایط در ایران و به خصوص در استان‌های کویری به علت واقع شدن در کمربند خشک، شرایط بحرانی‌تری به خود گرفته است. همین روند، مهاجرت‌های وسیعی را در پی داشته است. این مهاجرت‌ها باعث ایجاد اشتغال کاذب و ناهنجاری‌هایی در شهرهای مقصد شده است. مقاله حاضر از طریق پیمایش میدانی، با استفاده از داده‌های نمونه‌ای مربوط به ۵۰۰ خانوار و با تحقیقی ترکیبی، نسبت به تجزیه و تحلیل پیامدهای حاصل از این روند در محله کارگران در شهر بیرجند، اقدام کرده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که مهاجرت‌های روستا-شهری، ضعف توان مالی ساکنان ناحیه به همراه ناتوانی مسئولان در ساماندهی این وضعیت، باعث پیدایش شکل‌گیری حاشیه مورد بررسی و بروز ناهنجاری‌های متعدد شده است؛ به طوری که بسیاری از این خانواده‌ها از فقر و محرومیت رنج می‌برند. اغلب آنها فاقد امکانات بهداشتی، تفریحی و ... هستند. در واقع، حاشیه مورد نظر سبب نا امن شدن شهر بیرجند شده است و اگر این معضل ساماندهی نگردد، بحران‌های غیر قابل حلی را باعث خواهد شد.

واژگان کلیدی: حاشیه نشین، حاشیه نشینی، اسکان غیر رسمی، زاغه‌ها، بیرجند و منطقه کارگران.

۱- مقدمه

درون‌زا نبودن رشد در کشورهای در حال توسعه و عدم انطباق آن با فرهنگ بومی سبب ایجاد مشکلات فراوانی در شهرهای این کشورها شده است. در این میان، حاشیه نشینی ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده، با توجه به نمود ظاهری آن، توجه بیشتری را می‌طلبد. از طرف دیگر، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، مسأله‌ای گذرا و با ابعاد محدود نبوده، توافقی بر بقاء، باز تولید و بسط آن وجود ندارد که حاکی از عدم کفایت راه‌حل‌ها و سیاست‌های شهری متداول است و رهیافت‌ها و اقدامات نوینی را می‌طلبد (صرافی، ۱۳۸۱، ۵).

در کشور ما نیز حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی با رشدی سریعتر از رشد شهرنشینی مواجه بوده، برآورد می‌شود که حدود ۵/۵ میلیون نفر (خواجه دلوئی، ۱۳۸۳) از جمعیت شهری در این گونه سکونتگاه‌ها مستقر باشند.

حاشیه‌نشینی، پدیده‌ای است که در کنار سایر پدیده‌های تأثیرگذار در شهر، بر مشکلات شهری افزوده است. این معضل چهره و سیمای شهر را بدقیافه و زشت می‌نماید و باعث تشدید دوگانگی در جامعه شهری، افزایش فاصله طبقاتی و بسیاری از مشکلات دیگر می‌گردد. بر این اساس، حاشیه‌نشینی یک مسأله و عارضه شهری است که می‌تواند منبع اصلی بسیاری از بزهکاری‌ها و جرم‌ها قرار گیرد.

۲- روش تحقیق، فرضیات و سؤال‌ها

روش کار در این مقاله بر مطالعات میدانی و تحقیقی ترکیبی از پارامترهای تحلیلی-تفسیری استوار است. بر همین اساس، سعی دارد با استفاده از تکمیل پرسشنامه در بین ۱۰ درصد از ساکنان محدوده مورد مطالعه، اطلاعات لازم را جمع‌آوری کرده، آنها را برای شناسایی و تحلیل ارتباطات و پیوندهای میان متغیرهای مختلف استفاده نماید.

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۳۱

با توجه به بررسی‌های انجام شده در محل و بهره‌گیری از تجارب عملی به دست آمده از طرح‌های مختلف اجرا شده در سطح کشور و زمینه نظری ارائه شده در بخش اول، فرضیه‌های زیر قابل طرح است:

۱- مهاجرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به شهر بیرجند، باعث بروز پدیده اسکان غیر رسمی بوده است.

۲- ناتوانی سازمان‌های مربوط به مدیریت شهر و فقر ساکنان، علت نابسامانی‌های کالبدی در محله مورد بررسی است.

۳- به نظر می‌رسد ورود مهاجران افغانی به ایران و خصوصاً شهر بیرجند، در گسترش و جمعیت پذیری محله مورد بررسی مؤثر بوده است.

بر این اساس، نوشته به حاضر بررسی پرسش‌های زیر می‌پردازد:

۱- آیا مهاجرت روستا- شهری عامل بروز و گسترش محدوده مورد بررسی بوده است؟

۲- آیا رشد جمعیت و ضعف مالی ساکنان باعث پیدایش حاشیه مورد بررسی شده است؟

۳- آیا مهاجرت‌های خارجی (افغان‌ها) در این روند مؤثر بوده است؟

۳- یافته‌ها

مبانی نظری

با وجود تأثیر عوامل مختلف بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی در شکل‌گیری و استمرار سکونتگاه‌های حاشیه‌ای یا اسکان غیر رسمی، اجرای راهکار کوتاه مدت رفع این معضل، در درجه اول به سطوح محلی و خرد بر می‌گردد، چرا که در تحقیقاتی از نوع تحقیق حاضر، نمی‌توان تمام جنبه‌های آن را مورد توجه و امعان نظر قرار داد. به همین علت، به جای بررسی نظری این پدیده در سه سطح کلان، متوسط و خرد، صرفاً بر جنبه‌های خرد و محلی موضوع تأکید شده است.

این سطح با نظریه‌های فرهنگ‌گرا که مشخصه آن توجه به ویژگی‌های فرهنگی و روانی ساکنان غیر رسمی (حاشیه‌نشینان) است و با استفاده از مفاهیمی، چون انسان

حاشیه‌ای و فرهنگ فقر شروع می‌شود. مفهوم انسان حاشیه‌ای، به انسانی اشاره می‌کند که به دلایلی جذب جامعه نشده و نسبت به آن غریبه مانده است. این مفهوم را نویسندگانی مانند پارک و توماس و زنانیکی برای توصیف مهاجران بیگانه ساکن در شهر با داشتن ویژگی‌هایی، چون روحیه ستیزه جو، بی سازمانی خانواده و نابسامانی‌های عاطفی به کاربرده‌اند (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱، ۴۵).

به طور کلی، عللی که در سطح خرد زمینه ساز پیدایش و شکل گیری حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی می شوند، عبارتند از:

۱- ضعف برنامه‌های بخشی مشخص و مؤثر برای پاسخگویی به نیاز سرپناه کم درآمدها در توزیع جغرافیایی مناسب؛

۲- عدم پیش بینی فضای مسکونی کافی و مناسب اقشار کم درآمد در طرح‌های کالبدی شهری و اعمال استانداردهای خارج از استطاعت ایشان؛

۳- دسترسی ناچیز به نظام‌های رسمی اعتباری و وام مسکن برای کم درآمدها، به ویژه شاغلین در بخش غیر رسمی؛

۴- وجود باندهای قدرت نامشروع و سوداگران زمین به موازات اهمال و ناتوانی در نظارت و کنترل ساخت و سازها، به ویژه در فضای بینابینی شهرها؛

۵- فقدان نهادسازی برای تجهیزات و تجمع منابع اقشار کم درآمد و عدم حمایت و هدایت دولت در مورد خانه سازی خودیار (صرافی، ۱۳۸۱، ۷).

در واقع، حاشیه نشینی شهری گرچه به نوعی به نظریه وابستگی آندره گوندره فرانک و سمیر امین (۱۹۶۷) باز می گردد، اما این رابطه در سطح خرد آن نیز قابل پیگیری است، چرا که در این سطح نیز نوعی رابطه استعماری وجود دارد، اما از نوع دو سویه و ناخواسته آن. به عبارت دیگر، از یک طرف شهرنشینان از نیروی کار حاشیه نشینان برای کارهای پست و طاقت فرسای شهری با دستمزدهای بسیار پایین و ناعادلانه استفاده می‌کنند و از طرف دیگر، حاشیه‌نشینان نیز با اشغال فضاهای بکر و دست نخورده پیرامون شهرها، ساکنان اصلی شهر را مجبور می‌کنند تا مسافت‌های طولانی‌تری را برای تفریح و

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۳۳

استراحت خود طی نمایند و ... شاید همین رابطه است که به استمرار این پدیده کمک کرده، بعضی گروه‌ها خواسته و یا ناخواسته بر استمرار آن تأکید می‌ورزند.

۴- سابقه علمی و پیشینه تحقیق

پیامد رشد صنعتی کشورهای غربی بروز مسائل و مشکلات اجتماعی فراوان بود که یکی از آنها حاشیه‌نشینی است؛ به طوری که حتی امروزه این کشورها علی‌رغم برخورداری از رشد و توسعه فراوان، هنوز قادر به چاره‌اندیشی برای حل این معضل نیستند و مشکل حاشیه‌نشینی هنوز هم به صورت مناطقی مشخص در گوشه و کنار شهرهای بزرگ این کشورها دیده می‌شود که محله هارلم نیویورک یکی از معروفترین اینگونه مناطق است (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹، ۱). این پدیده، با صدور برنامه‌های اقتصادی کشورهای غربی، با عنوان برنامه‌های رشد و توسعه در کشورهای جهان سوم، گسترش یافت. فقر نقاط روستایی و افزایش غیر قابل کنترل جمعیت، شدت و حدت این مسأله را در کشورهای جهان سوم دو چندان نمود. گرچه تحلیلگران اقتصاد سیاسی، در مورد علل ساختاری افزایش جمعیت شهری در کشورهای اخیر، بر تأثیر پدیده وابستگی که از پیامدهای نظام سرمایه داری جهانی است، بیشتر تأکید می‌نمایند (گیلبرت، ۱۳۷۶، ۷).

به هر حال، مهاجرت‌های روستایی و ناتوانی مدیریت شهری در ساماندهی فضایی این مهاجرت‌ها، ابعاد مساله حاشیه‌نشینی را صد چندان نموده است. به همین علت تحقیقات و مطالعات بسیاری در رابطه با این معضل اجتماعی، اقتصادی و ... به انجام رسیده است. به عنوان نمونه می‌توان به مطالعات الیاس^۱ (۱۹۶۶)، مارشال کلینارد^۲ (۱۹۶۶) و به طور غیر مستقیم‌تری جورج تولی^۳ (۱۹۸۹)، پل نوکس^۴، ایده باغشهر (شیعه، ۱۳۷۵) و نظایر آن اشاره نمود. این مطالعات در سطح محدودتری و اغلب در قالب مطالعات مربوط به رشد

1 - Elias
2 - Clinard
3 - Tolley
4 - Knox

جمعیت در کشورهای در حال توسعه از نیمه دوم قرن بیستم در سطح جهانی (United Nations, 1998) و منطقه‌ای (United Nations, 2000) و ملی ادامه پیدا کرد. نتیجه عملی این مطالعات تدوین استراتژی‌ها و راهبردهای گوناگونی بود که از مهمترین آنها می‌توان به رویکرد «شهرهای کوچک»^۵ توسط پراکاش ماتور^۶ (۱۹۸۲) و صلاح الشّخص^۷ (۱۹۷۴) و راهبرد روستا- شهرها توسط فریدمن (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۶۳) اشاره نمود.

پدیده حاشیه‌نشینی در ایران مدتها مسکوت ماند و متولیان و محققان برای سالیان متمادی مبهوت توسعه وسیع و چشمگیر شهرها بودند. توسعه‌ای غیر واقعی که به دلیل افزایش سهم نفت در اقتصاد ملی و سیاست شبه مدرنیزاسیون توسط نظام حاکم، روند گرایش به شهرنشینی را شدت بخشیده بود (سلطان زاده، ۱۳۶۵، ۱۱۴). اما این توسعه لجام گسیخته به زودی عوارض ناخواسته خود را بروز داد؛ به طوری که در دهه ۱۳۵۰ نگرانی‌های جدی را مطرح نمود. به همین علت، از این زمان مطالعات متعددی آغاز شد که از مهمترین آنها می‌توان به پژوهش‌های مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران در ارتباط با کپرنشینان بوشهر و بررسی حاشیه‌نشینان شهری (بخش جامعه شناسی، ۱۳۵۱ و قلعه گلابی و دیگران، ۱۳۵۰)، نیرومند و دیگران (۱۳۵۳)، سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی (۱۳۵۳)، خوانساری (۱۳۵۵)، زاهد زاهدانی (۱۳۵۴)، شکوئی (۱۳۵۵) منصوریان و آیت‌اللهی (۱۳۵۶) و از همه مهمتر، گروه بتل و ستکوپ اشاره نمود (علیزاده و کازرونی، ۱۳۶۳).

بعد از انقلاب نیز مطالعات این بخش ادامه داشت که از آن جمله می‌توان به نیاتی (۱۳۵۷)، شکوئی (۱۳۶۵)، پرویز پیران (۱۳۶۶)، زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، حسین زاده دلیر (۱۳۷۱)، احمدیان (۱۳۷۱) و حاتمی نژاد و زمردیان (۱۳۷۲) اشاره نمود.

5-Small Cities

6 - Mathur

7 - Salah el – Shakhs

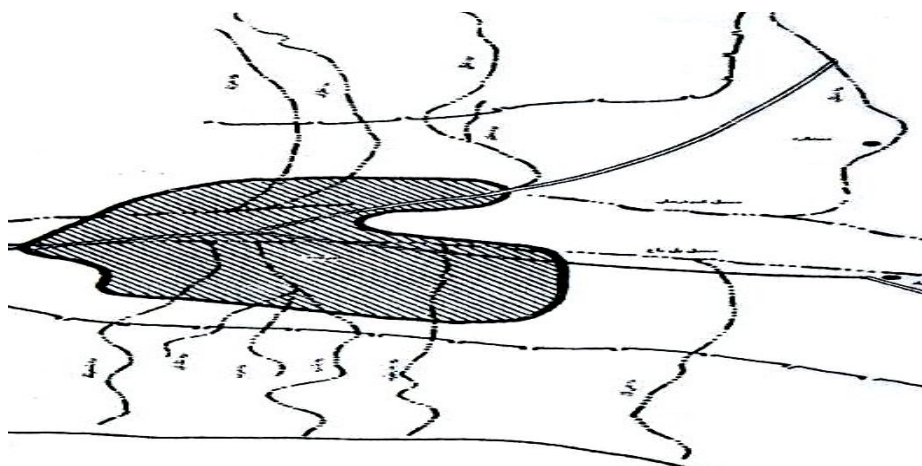
بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۳۵

۱-۴- موقعیت جغرافیایی، طبیعی و اجتماعی شهر بیرجند

بیرجند در ارتفاع ۱۴۸۰ متری از سطح دریا و در حدود ۵۰۵ کیلومتری جنوب شهر مشهد قرار دارد (وزارت دفاع، ۱۳۶۳، ۳۶-۳۷). از نظر اقتصادی و اجتماعی مهمترین شهر استان خراسان جنوبی و مرکز این استان است.

بیرجند در محل تلاقی شیب دامنه کوه‌های شکراب در شمال و باقران در جنوب بر بستری ناهموار که در جهات مختلف شیب متفاوت دارد، قرار گرفته است. مهمترین عوارض طبیعی که توپوگرافی بستر شهر را تحت تاثیر قرار می‌دهند، عبارتند از: تپه ماهورهای بافت قدیم و بخش شمال شهر و دو مسیل شمالی (کبوترخان) و مرکزی (پل‌باغ) که عملاً شهر را به سه بخش شمالی، میانی و جنوبی تقسیم کرده‌اند و مسیل سجاد شهر که در جنوب غربی شهر واقع شده و تا مدتی مانع توسعه شهر به این طرف بوده است (نقشه شماره ۱). چنانچه مقطعی از گستره شهر در جهت شمالی- جنوبی تهیه نماییم کاملاً مشخص می‌شود که شهر بر بستری ناهموار و با جهات شیب ناهمسان واقع شده است (محمود مرادی، ۱۳۷۲، ۲۶).

بیرجند در محل تقاطع راه‌های ارتباطی و بازرگانی قدیم در شرق ایران و نیز در مسیر راه‌هایی که بنادر جنوب ایران را از طریق زاهدان، کرمان و یزد به نواحی شمال خراسان و ماورالنهر متصل ساخته، قرار گرفته است. همین راه‌ها، مجموعه‌ای از پیوندها را برای بیرجند به وجود آورده است که یکی پیوند معنوی و گسترش فرهنگی و ارتباط میان اقوام و دیگری تکرر ثروت و گشایش و رونق اقتصادی است.



نقشه شماره ۱، موقعیت شهر، در دشت بیرجند

دسترسی نسبی به منابع آب مخروطافکنه دامنه کوه‌های باقران و بویژه «قنات قصبه» که نخستین کانون جمعیت متمرکز را در محیط جغرافیایی فعلی به وجود آورده است، از دیگر قابلیت‌های این شهر است. با توجه به این که بیرجند در مرکز دشتی نسبتاً حاصلخیز است که بیش از ۱۵۰۰ روستا و آبادی در شعاع عمل آن قرار دارد، موقعیت تجاری و بازرگانی خاصی را به دست آورده است. شرایطی که به خوبی به نیاز روستاییان منطقه به یک مرکز مبادله و تجارت و کانون ارتباطات محلی پاسخ گفته است. پذیرش نقش دفاعی برای اسماعیلیان، که مدت ۱۲۴ سال بر منطقه حکومت داشتند، شرایط ویژه‌ای را به شهر بیرجند بخشیده است. شرایط فوق باعث شد که بیرجند گاهی در بستر تاریخ با رکود و زوال مواجه شود. به هر حال، این شهر گاهی در اثر خشکسالی‌ها، زلزله و سایر بلاهایی طبیعی، ویرانی‌هایی که توأم با رکود و زوال بوده را نیز پشت سر گذاشته است (وفایی فرد، ۱۳۷۵، ۳۰).

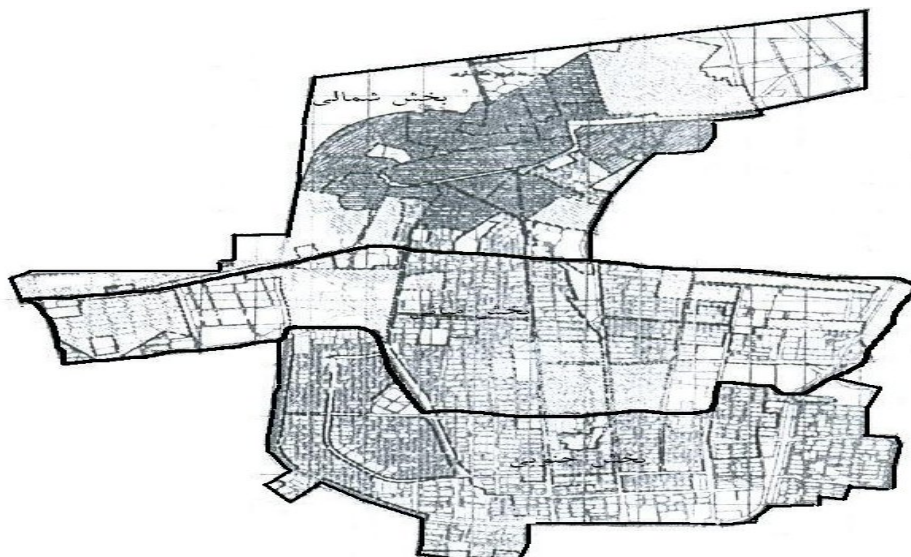
۲-۴- حاشیه نشینی و ویژگی‌های آن در شهر بیرجند

شهر بیرجند همچون تمام شهرهای کویری و نیمه کویری کشور ایران تا تحولات چند دهه پیش در اقتصاد کشور، رشدی بسیار بطیی و کند داشت، اما در پی تحولات

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۳۷

ناشی از پیوند اقتصادی ایران با سرمایه‌داری جهانی و گسیختگی ارتباط متقابل شهر و روستا، به یکباره بیرجند رشد غیر قابل تصویری پیدا کرد. برای مثال، در طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۴، بیش از ۲۰۴ روستای این شهرستان خالی از سکنه شد و بیش از ۱۰۰۰ خانوار ساکن در این روستاها (حسینیون، ۱۳۶۵، ۱۴۲) به شهر بیرجند هجوم آوردند. این در حالی بود که از سایر شهرها و روستاهای کشور، از جمله زابل، زاهدان، نهبندان، فردوس، قاین و ... نیز گروهی به دلایل متعدد به این شهر وارد شدند.

در نتیجه این رشد و ورود مهاجران مختلف، ساختار فیزیکی شهر به کلی تغییر کرد؛ به طوری که با یک نگاه می‌توان شهر را به سه بخش کاملاً متفاوت شمالی، مرکزی و جنوبی تقسیم نمود. در این تقسیم بندی بخش مرکزی هسته اولیه شهر را نشان می‌دهد که دارای بافت سنتی و بی‌قاعده‌ای است و تقریباً ساکنان اصلی شهر را در خود جای داده است. بخش جنوبی با بافتی منظم و شطرنجی بیشتر طرف توجه مهاجران ثروتمند و کارمندان عالی رتبه دولتی و ... است. بخش شمالی و مورد توجه این تحقیق، از جمله مناطقی است که بیشترین ناهنجاری را نشان می‌دهد (نقشه شماره ۲). کوی کارگران به عنوان نمونه مورد مطالعه در بخش شمالی شهر قرار دارد. در این بخش، شرایط فیزیکی و توپوگرافی به گونه‌ای بوده است که کمتر مورد توجه گروه‌های مرفه قرار می‌گیرد. وجود تپه‌های متعدد، شیب زیاد کوچه‌ها و خیابان‌ها بیش از سایر عوارض، خودنمایی می‌کند. این در حالی است که وجود کال کبوترخان و گورستان بهشت متقین به همراه کوره‌های آهک پزی و کارگاه‌های سفال پزی، بهترین مأمّن را برای مهاجرین تهیدست، فراهم آورده است (احمدیان، ۱۳۷۰، ۱۴۶).



نقشه شماره ۲، بخش‌های سه گانه شهر بیرجند (بر اساس تراکم، شرایط جغرافیایی و چگونگی توسعه)

مناطق حاشیه‌نشین شهر بیرجند به صورت یک کمربند سراسری و ممتد در شمال و شمال غربی این شهر واقع شده است که به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌گردد:

کوی کارگران؛
کوی موسی بن جعفر(ع)؛
کوی جوادیه.

۳-۴- روند پیدایش و شکل‌گیری محدوده مورد مطالعه

از قدیم الایام کوی کارگران کنونی که هنوز محدوده‌ای وسیع و غیر مسکونی به حساب می‌آمد، به عنوان محل اسکان و نصب چادر گروه‌های دوره گردی که به عنوان کاسب کار و مسگر از سایر نقاط به این شهر مهاجرت می‌کردند، مورد استفاده قرار می‌گرفت. قریب به شصت سال پیش، گروهی از این دوره گردان که در شهر بیرجند از آنها با نام غربت یاد می‌شود، ماندگار شده و اقدام به ساخت سرپناه‌های موقتی نمودند. بر این اساس، محدوده مورد نظر که به دلیل شرایط خاص طبیعی، کمتر مورد توجه ساکنان

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۳۹

اصلی شهر قرار گرفته بود، به یک مجموعه شهری غیر رسمی تبدیل شد که طرف توجه سایر مهاجران کم بضاعت نیز قرار گرفت. از این زمان به بعد و با ورود مهاجران افغانی به شهر بیرجند، این محدوده تحولات بیشتری را تجربه کرده، روند توسعه آن ابعاد بسیار وسیعی پیدا نمود (نقشه شماره ۳).



نقشه شماره ۳- موقعیت محدوده مورد مطالعه در شهر بیرجند

همزمان با پیدایش و گسترش کوی کارگران، تعدادی از مهاجران سایر شهرها نیز از شهرهای کرمان، بم، زاهدان، زابل و ... به این محدوده وارد شدند (وفایی فرد، ۱۳۸۰). به این ترتیب، محدوده مورد نظر به عنوان یک فضای شهری غیر رسمی وارد جریان برنامه‌ریزی شهری گردید، اما هیچ‌گاه نتوانست تجهیزات و امکاناتی همسان سایر مناطق دریافت نماید.

بر اساس آمار رسمی موجود در سال ۱۳۸۵، تعداد ۱۰۰۰ خانوار در این منطقه زندگی می‌کردند که با توجه به بعد خانوار، قریب به ۵۰۰۰ نفر را شامل می‌شدند (مدیریت آمار و برنامه‌ریزی شهرداری بیرجند، ۱۳۸۶). با توجه به حجم بالای جمعیت تمام بررسی‌ها بر روی نمونه انتخابی (به حجم ۱۰ درصد کل جمعیت محدوده)، انجام شده است. بر اساس نمونه مورد بررسی، نسبت جنسی در این منطقه ۱۰۹ نفر است که بیش از ۵۵ درصد آنها

را جوانان کمتر از ۲۴ سال تشکیل می‌دهند. جدول شماره ۱، توزیع سنی و جنسی جمعیت مورد بررسی را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- توزیع سنی و جنسی نمونه مورد بررسی

نسبت جنسی	درصد زنان	درصد مردان	شرح
۱۰۹	۲/۵	۲/۵	اطفال (کمتر از یکساله)
۶۰	۷/۶	۵/۱	نویا و گان (۱-۵ ساله)
۹۲/۳	۱۶/۵	۸/۹	کودکان (۶-۱۰ ساله)
۱۱۳/۳	۲۳/۶	۷/۲	نوجوانان (۱۱-۱۴ ساله)
۱۰۶/۲	۳۰	۲۹/۱	جوانان (۱۵-۲۴ ساله)
۱۱۲/۵	۴۰/۶	۴۱/۸	میانسالان (۲۵-۶۴ ساله)
۱۶۲/۵	۳/۷	۵/۵	بزرگسالان (۶۵ ساله و بیشتر)

ماخذ تحقیقات میدانی

بعد خانوار نیز در این محدوده بالاست. بر اساس نتایج نمونه مورد مطالعه، بیش از ۱۸ درصد خانوارها یک و دو نفره، ۳۹ درصد سه و چهار نفر و ۵۷ درصد بقیه پنج تا هشت نفره بوده‌اند. حدود ۹۳ درصد خانوارها تحت سرپرستی مردان بوده، بقیه توسط خانم‌ها سرپرستی و تأمین می‌شدند.

۴-۴- علل مهاجرت به بیرجند و کوی کارگران این شهر

خشکسالی مهمترین عامل مهاجرت روستاییان به شهر و مناطق حاشیه‌ای است. به طور مشخص، خشکسالی‌های دهه ۱۳۳۰ بسیاری از اهالی روستاها را به سوی شهر بیرجند روانه نمود. این در حالی بود که مهاجرت‌های خارجی نیز مزید بر علت شد. در مجموع در سال ۱۳۳۵، فقط ۴/۵ درصد جمعیت شهر از جمله مهاجران بودند که این مقدار در سال ۱۳۴۵ به حدود ۱۶ درصد رسید. این شرایط در سال‌های بعدی شدت و دامنه گسترده‌تری پیدا کرد؛ به طوری که طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ نزدیک به ۱۳ هزار نفر مهاجر وارد شهر

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۴۱

بیرجند شدند که بیش از ۶۸ درصد از آنها را مهاجران افغانی تشکیل می‌دادند (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۳).

جمعیت شهر بیرجند طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ با رشدی معادل ۶/۱ درصد در سال، به ۸۴ هزار نفر رسید (زنجانی، ۱۳۶۸، ۳). بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که در سال ۱۳۶۵ از مجموع ۴۲۸۴ نقطه روستایی شهرستان، تنها ۱۶۸۳ نقطه دارای سکنه بوده‌اند. به عبارت دیگر، قریب به ۶۰ درصد از روستاها، ساکنان خود را از دست داده‌اند که تقریباً همه آنها به شهر بیرجند وارد شده‌اند.

نتایج به دست آمده از نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد که ۵۸ درصد ساکنان در همین شهر به دنیا آمده و صرفاً والدین آنها مهاجر بوده‌اند. در میان مهاجران ۹۶ درصد محل اقامت قبلی خود را یکی از روستاهای شهرستان اعلام نموده و بقیه از سایر استان‌ها و یا شهرها به این محدوده مهاجرت کرده‌اند. البته، گروهی از این افراد از جمله مهاجران خارجی به حساب می‌آیند که هویت واقعی خود را پنهان می‌کنند. در خصوص علت مهاجرت نیز قریب به ۸۰ درصد افراد دلیل مهاجرت خود را یافتن شغل و شغل بهتر مطرح کرده‌اند. این نسبت برای تحصیل و رفاه بیشتر نیز، به ترتیب ۱۴ و ۳ درصد بوده است.

الف) خصوصیات و تنگناهای اجتماعی

به طوری کلی، ویژگی‌های ساکنان منطقه را می‌توان به شرح زیر دسته بندی نمود:
- پابندی به هویت قومی، سنت‌ها و ارزش‌های اولیه و زندگی در قالب خانواده‌های گسترده؛ همچنان که بیش از ۱۰ درصد خانوارها، دارای بعد خانواری بیش از هفت نفر هستند.

- علاقه به نیرومندی و خشونت و حضور در باشگاه‌های رزمی و پرورش اندام در بین جوانان رواج کاملی دارد. مردم، به خصوص جوانان در این منطقه در فکر بالابردن قدرت و توان جسمی خویش هستند تا بتوانند در جامعه شهری جایی برای خود بیابند. این در حالی است که وجود تعداد مساجد، تکایا و حضور مردم در مراسم مذهبی بیانگر آن است

که اعتقادات دینی و مذهبی ساکنان محدوده مورد بررسی در سطحی بالاتر از ساکنان اصلی شهر ارزیابی می شود.

- بیکاری و کم کاری در بین ساکنان کوی کارگران بیرجند باعث کاهش درآمد آنها شده و همین امر ضمن ایجاد نگرانی و ترس از آینده، باعث تزلزل بنیان خانواده گردیده است.

- در این محدوده رعایت مسائل بهداشتی و درمانی چندان جدی گرفته نمی شود. علت این امر را می توان به درآمد کم و نبود مراکز درمانی و بهداشتی و سطح پایین فرهنگی مربوط دانست.

- طبق نتایج به دست آمده از نمونه مورد بررسی، بیش از ۸۰ درصد افراد با سواد بوده اند. این نسبت برای مهاجران حدود ۷۸ و سایرین ۸۲ درصد عنوان شده است، اما بررسی سال های تحصیل در مدارس و یا نهضت سواد آموزی نشان می دهد که حدود ۴۴ درصد آنها کمتر از ۵ سال در این مراکز حضور داشته اند و صرفاً ۱۷ درصد از کل باسوادان بیش از ۱۰ سال و بیشتر تحصیل کرده اند. بررسی پارامترهای مرکزی در این ارتباط نشان می دهد که میانه سال های تحصیل ۷، میانگین ۷/۵ و نما ۵ سال بوده است.

ب) خصوصیات و تنگناهای اقتصادی

شهر مکان برخوردارایی و فقر است. در شرایط فقر (اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) ویژگی های غیر کارکردی شهر و جمعیت آن بروز پیدا می کند. این تضاد نوعی بیماری شهری است و مانعی در برابر توسعه شهری به شمار می رود (ربانی، ۱۳۸۱، ۱۶۳).

بر اساس نمونه مورد بررسی، کمتر از ۲۶ درصد افراد شاغل به حساب می آیند. بیش از ۱۱ درصد در گروه بیکاران جویای کار و ۵۲ درصد محصل یا خانه دار بوده اند. افراد با درآمد بدون کار نیز حدود ۳ درصد بوده اند. اغلب شاغلان نیز از گروه کارگران ساده و بدون مهارت هستند. به طوری که از مجموع شاغلان ۴۴ درصد در این گروه قرار می گیرند. در رده های بعدی رانندگان و فروشندگان بودند که به ترتیب ۳۲ و ۱۵ درصد شاغلان را به خود اختصاص داده اند.

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۴۳

ج) ویژگی‌های فضایی کالبدی

نحوه مالکیت واحدهای مسکونی: نمونه مورد بررسی نشان می‌دهد که صرفاً ۴۴ درصد خانوارها اعلام داشته‌اند که مالک واحد مسکونی هستند و بقیه یا پاسخی به این پرسش نداده‌اند و یا با شیوه‌های دیگری (چون اجاره، استفاده در مقابل خدمات مختلف و یا رایگان) واحد مورد نظر را در اختیار داشته‌اند. در این میان، افرادی که بابت واحد مسکونی خود اجاره پرداخت می‌کردند، حدود ۱۰ درصد و افرادی که رایگان از واحد مسکونی استفاده می‌کردند، حدود ۴ درصد اعلام شده است.

از مجموع مالکان واحدهای مسکونی بیش از ۲۶ درصد اعلام داشته‌اند که بابت ساخت و یا تملک واحد مربوطه مقروض بوده و عمده‌اً به این منظور از بانک‌های مختلف وام دریافت کرده‌اند. در بین مالکان واحدهای مسکونی نیز فقط ۴۵ درصد آنها دارای سند مالکیت قطعی بوده و بقیه یا فاقد مدارک لازم بوده‌اند و یا به صورت قول‌نامه‌ای ملک را در اختیار داشته‌اند.

سطح زیر بنا و زمین در اختیار هر واحد مسکونی: بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که متوسط مساحت هر واحد مسکونی در این محدوده حدود ۱۶۰ متر است. از این مقدار حدود ۱۰۰ متر به بخش مسکونی و مابقی به زمین آزاد اختصاص یافته است. اطلاعات دقیقتر این بخش در جدول شماره ۲، ارائه شده است.

نحوه ساخت و ساز واحدهای مسکونی: بیشتر بناهای ساخته شده از نوع نیمه با دوام بوده و در ساخت و ساز بیش از ۵۱ درصد آنها آجر، سنگ، سیمان و کاشی استفاده شده است. با وجود این، صرفاً ۱۰ درصد از آنها برای ساخت نما اقدام کرده‌اند. ۴۶ درصد بناها با بهره‌گیری از بناهای ماهر و طرح و نقشه قبلی ساخت و ساز را به پایان برده‌اند و سایرین خود و یا به کمک اقوام نسبت به این کار اقدام کرده‌اند.

سابقه ساخت بناها نیز نشان می‌دهد که صرفاً ۳۰ درصد آنها قبل از سال ۱۳۶۷ بنا شده‌اند و بقیه قدمتی کمتر از ۲۰ سال دارند. حدود ۴۸ درصد واحدهای مورد استفاده یک طبقه و بقیه دو تا سه طبقه بوده‌اند.

جدول شماره ۲- مساحت زمین و سطح زیر بنا در واحدهای مسکونی

درصد	سطح زیر بنا	درصد	مساحت زمین
2.2	کمتر از ۱۰ متر	1.1	کمتر از ۶۰ متر
6.7	۱۱ تا ۲۰ متر	2.2	۶۱ تا ۸۰ متر
6.7	۲۱ تا ۳۰ متر	9.4	۸۱ تا ۱۰۰ متر
6.1	۳۱ تا ۴۰ متر	21.7	۱۰۱ تا ۱۵۰ متر
15.6	۴۱ تا ۶۰ متر	12.8	۱۵۰ تا ۲۰۰ متر
13.9	۶۱ تا ۱۰۰ متر	12.8	۲۰۱ متر و بیشتر
7.8	۱۰۱ متر و بیشتر	40.0	اظهار نشده
41.1	اظهار نشده	100	جمع

مأخذ: تحقیقات میدانی

تعداد اتاق هر مسکن: باتوجه به این که وجود نفرات در اتاق یکی از شاخص‌های بهداشتی (شیخی، ۱۳۷۷) مهم تلقی می‌شود و اهمیتی بیش از تراکم محلی^۸ (عزیزی، ۱۳۸۲) دارد، بررسی وضعیت کوی کارگران نشان می‌دهد که این شاخص وضعیت چندان مناسبی ندارد. بررسی نمونه انتخابی نشان می‌دهد که متوسط تعداد اتاق در اختیار هر خانوار ۲/۵ اتاق است. این وضعیت به خصوص برای خانوارهای پر جمعیت بسیار نگران کننده است. برای مثال، متوسط اتاق در اختیار خانوارهای هفت نفره و بیشتر حدود ۳/۳۳ اتاق بوده و نسبت نفر/اتاق در این گروه کمتر از ۰/۳۳ است. وضعیت سایر خانوارها در جدول شماره ۳، نشان داده شده است.

۸- منظور تعداد افرادی است که معمولاً در یک هکتار زمین که به استفاده مسکونی در یک محدوده خاص رسیده است، زندگی می‌کنند.

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۴۵

جدول شماره ۳- تعداد اتاق در اختیار هر خانوار در کوی کارگران.

نسبت نفر/اتاق	متوسط تعداد اتاق در اختیار هر خانوار	بعد خانوار
۳	۳	خانوار یک نفره
۱/۲۲	۲/۴۴	خانوار دو نفره
۰/۸۳	۲/۵۰	خانوار سه نفره
۰/۶۴	۲/۵۵	خانوار چهار نفره
۰/۵۴	۲/۷۱	خانوار پنج نفره
۰/۴۰	۲/۴۰	خانوار شش نفره
۰/۳۳	۲/۳۳	خانوار هفت نفره
۰/۴۱	۳/۵۰	خانوار هشت نفره و بیشتر
۰/۶۱	۲/۵۷	جمع

مأخذ: تحقیقات میدانی

امکانات و تسهیلات موجود در واحدهای مسکونی: بر اساس اطلاعات به دست آمده از نمونه مورد بررسی، از مجموع افرادی که به این سؤالها پاسخ داده‌اند، بیش از ۹۷/ درصد آنها به آب آشامیدنی شهری دسترسی داشته‌اند. این وضعیت برای برق ۹۹ درصد، جمع‌آوری و دفع زباله، ۹۶ درصد، سیستم‌های مناسب دفع فاضلاب، ۸۵ درصد و در اختیار داشتن حمام ۹۶ درصد بوده است. نکته مهم آن است که هنوز هم خانوارهایی دیده می‌شوند که فاقد دستشویی و توالت اختصاصی هستند (گرچه تعداد آنها کم و حدود ۱ درصد است). علاوه بر آن، حدود ۵۰ درصد خانوارها به سیستم‌های سرمایشی مناسب دسترسی ندارند و کمتر از ۹۰ درصد آنها مکان مستقلی را به عنوان آشپزخانه استفاده می‌کنند.

۴-۵- بررسی فرضیات تحقیق

بررسی‌های فوق نشان می‌دهد که سیل مهاجرت در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و تخلیه روستاهای پیرامون شهرستان (حسینیون، ۱۳۶۵)، به یکباره سیل عظیمی از جمعیت را روانه

شهر بیرجند کرده است. هجوم این سیل جمعیتی به حدی بود که مدیریت شهری که وظیفه هدایت سمت و سوی توسعه شهر و اسکان نظام‌مند جمعیت را داشت، نتوانست با برنامه‌ریزی دقیق نسبت به اسکان و ساماندهی آنها اقدام نماید. این روند با ورود خیل عظیم مهاجران افغانی تشدید شد؛ به طوری که طبق آمار ارائه شده در مقاله به یکباره ۱۰ هزار نفر مهاجر افغانی (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، ۳) به شهر وارد شدند که این تعداد مهاجر تقریباً، معادل جمعیت سال ۱۳۳۵ شهر بوده است.

از طرف دیگر، طبق آمار سال ۱۳۳۵ هیچ نوع واحد مسکونی غیر متعارفی در این سرشماری برای شهر بیرجند عنوان نشده است، اما این وضعیت در سال ۱۳۴۵ کاملاً دگرگون شده است؛ به طوری که با وجود پیشرفت‌های مختلف ساختمان سازی و تهیه مصالح ساختمانی، در این سال واحدهای گلی، کپری، حصیری و غیره کاملاً قابل توجه است (مرکز آمار ایران، ۱۳۴۶) که همه آنها نیز در همین محدوده استقرار پیدا کردند.

بر این اساس و بنابر اطلاعات به دست آمده از نمونه مورد بررسی، می‌توان گفت که فروض مطرح شده در تحقیق را نمی‌توان رد کرد. بنابراین، ضمن این که مهاجرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و بخصوص مهاجران افغانی (که بیش از ۸۰ درصد مهاجران وارده به شهر را به خود اختصاص داده بودند) در گسترش پدیده حاشیه‌نشینی در شهر مؤثر بوده‌اند، مدیران شهری نیز به علت عدم پیش بینی‌های لازم در رابطه با جمعیت واقعی شهری و مهاجران وارده به آن، در ارائه امکانات مناسب و فراهم آوری زیر ساخت‌ها، توانایی چندانی نداشته‌اند. بررسی مدارک و مستندات طرح جامع شهر بیرجند نشان می‌دهد که هیچ یک از الگوهای توسعه پیشنهادی نمی‌توانست مشکلات به‌وجود آمده در این دوره را مرتفع نماید (طرح جامع شهر بیرجند، ۱۳۸۳)، چرا که در این دوره زمین مورد نیاز برای ساخت و ساز، تجهیزات و تاسیسات شهری و ... به هیچ عنوان جوابگوی جمعیت وارده به شهر نبود. این در حالی است که خشکسالی‌های پیاپی در این استان باعث شده است که روند مهاجرت به این شهر نه تنها کاهش پیدا نکند، بلکه بر دامنه آن افزوده شود.

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۴۷

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در یک دسته‌بندی کلی و نهایی می‌توان گفت که حاشیه‌مورد بررسی در این تحقیق ویژگی‌هایی مشابه و همانند سایر شهرهای ایران دارد. معضلی که باید در درجه اول در سطح ملی بررسی و تحقیق شود. شاید بتوان گفت که اگر سطح فرهنگی و انطباق‌پذیری حاشیه‌نشینان مطابق با روال جامعه نیست، بیش از آنکه معلول خصایص عقیدتی آنان باشد، نشان‌دهنده عدم آموزش صحیح آنان برای یک زندگی اجتماعی است. به هر حال، با توجه به این که این تحقیق موضوع را در سطح محلی و خرد مورد توجه قرار داده است صرفاً به ویژگی‌ها و خصایص محدوده مورد مطالعه باز می‌گردیم. به طور کلی، خصایص و تنگناهای موجود در محدوده مورد مطالعه عبارتند از:

۱- به علت عدم نظارت، حاشیه‌مورد نظر یکی از مراکز مشکل ساز شهر بیرجند تلقی می‌شود. در واقع، در این محدوده وضعیت بهداشتی، تفریحی، رفاهی، امنیتی و سایر امکانات موجود در حالت مساعدی نیست و چون کنترل و نظارت دقیق و کافی از جانب مسؤولان مربوطه اعمال نمی‌شود، ساخت و سازهای بی‌رویه و فاقد اصول و معیارهای شهری و مهندسی نیز در آن رو به گسترش است.

۲- ساکنان محدوده مورد بررسی دارای انگاره‌های قومی و عشیره‌ای و روستایی بوده، این تضادهای فرهنگی در رفتارهای اجتماعی و حضور آنها در درون شهر کاملاً نمایان است.

۳- بسیاری از ناهنجاری‌هایی که در این منطقه حادث می‌شود، ناشی از بی‌هویتی برخی از ساکنان و یا سرخوردگی‌های متعدد آنان است.

۴- با وجود آن که بخش قابل توجهی از ساکنان این منطقه از افراد متدین، صالح و درستکار هستند، لیکن برخی از بزهکاران متواری و سارقان و قاتلان تحت تعقیب در لابه‌لای مهاجرانی که صداقت و منش روستایی در وجود آنها نمایان است، به این مناطق روی آورده‌اند و همین موارد بستر مستقیم و غیرمستقیم ارتکاب جرایم دیگر را در درون

شهر را فراهم ساخته است؛ شرایطی که بعضاً به علت عدم کنترل دقیق مراجع قانونی و امنیتی روز به روز تشدید می‌شود.

۵- به دلیل نوع ساخت و ساز و بستر طبیعی موجود، مسکن این محدوده در برابر زلزله‌های بسیار خفیف نیز مقاوم نیستند. در واقع، اصول اولیه شهرسازی در این محدوده رعایت نشده است. از عمده‌ترین علل این امر می‌توان به ساخت و ساز شتاب‌زده به دلیل نداشتن پروانه ساختمانی و تبعیت نکردن از برنامه‌ریزی رسمی شهرسازی اشاره نمود که همین امر باعث می‌شود که محدوده مورد نظر پیوستگی عملکردی کاملی با شهر اصلی نداشته باشد. از طرف دیگر، گسست کالبدی از شهر، زمینه مساعدی را برای حضور گروه‌های کم درآمد و فقیر فراهم آورده است.

۶- ارائه خدمات شهری به این بخش بسیار مشکل است. از جمله علل این امر می‌توان به این موارد اشاره کرد: عدم رعایت ساختارهای شهرسازی مناسب و وجود کوچه‌های باریک و ترکیب کاملاً غیرمهندسی، محیط فاقد کیفیت لازم، کمبود شدید خدمات و زیربنای شهری و تراکم بالای جمعیت.

۷- باید توجه داشت که مسائل حاشیه مورد نظر و تمامی حاشیه‌های شهری، مشکلی فردی و خصوصی نیست که حل آن بر عهده همین مناطق باشد، زیرا با گسترش ابعاد این مسأله نهایتاً مسائل به‌وجود آمده دامن فقیر و غنی را خواهد گرفت. با توجه به مطالب فوق پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

۱- برای بهسازی و ساماندهی این مناطق باید اقداماتی چون بهبود مدیریت شهری، مشارکت فراگیر و تأمین حق سرپناه برای همه، بهسازی کالبدی سکونتگاه‌ها و فراهم آوردن بستری برای مشارکت همه در دستور کار قرار گیرد.

۲- دولت باید در این زمینه نقش کمک کننده، تسریع کننده، هدایتگر، تسهیل کننده و اصلاح کننده داشته باشد.

۳- باید برای رفع مشکلات مربوط به رشد جمعیت و تنظیم خانواده اقدامات همه جانبه ای انجام داد.

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۴۹

۴- حاشیه‌نشینی پدیده‌ای، موقتی و رو به زوال نیست، بنابراین، باید برای حل اساسی آن چاره‌اندیشی نمود. اسکان غیررسمی به علت نبود فضای رسمی مناسب و در حد استطاعت اقشار کم درآمد شهری به وجود آمده است و از این رو، بازنگری در برخورد متداول بخش دولتی - عمومی به این پدیده و به فرآیندهای برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی شهری به منظور تأمین فضای رسمی قابل زندگی برای این اقشار، یک اصل است.

۵- مهاجرت از دید مهاجران، واکنشی منطقی به محرومیت‌های ناشی از غفلت در سیاست‌های عمومی و تلاش برای یافتن راهی به منظور گریز از بدبختی، بیماری، فقر، سرما، خشکسالی و ناامنی است و بر این اساس، باید برای توسعه فیزیکی ناشی از مهاجرت‌ها در شهرهای بزرگ اقدام نمود.

۶- اسکان غیررسمی از زمینه‌ای فراتر از مکان آن نشأت می‌گیرد و بر محیطی فراتر از مکان آن نیز تأثیر می‌گذارد. چاره‌جویی این مسأله به سیاست‌گذاری و اقداماتی نه فقط در سطح محلی آن، بلکه در سطح ملی نیاز دارد.

۷- اگرچه چاره‌نهایی اسکان غیررسمی و پیشگیری کامل از تکوین آن در گرو تحولات ساختاری درازمدتی است که ریشه‌کنی فقر، توسعه همه‌جانبه و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در کشور را به دنبال آورد، اما پیشنهادها و یافته‌های موجود می‌تواند در تدوین راه‌حل‌ها و راهبردها و سیاست‌های کوتاه مدت و زودبازده به کار گرفته شود.

۸- مسأله بلا تکلیفی بسیاری از این سکونتگاه‌ها از نظر قانون باعث شده است که ساکنان همواره احساس ناامیدی و عدم امنیت کنند. همین مسأله نیز زمینه‌ای است تا خانوارها دست از تلاش، مشارکت اجتماعی و همبستگی بکشند و اقدامی برای اصلاح امور انجام ندهند، حال آن که اگر پیشداوری‌های منفی معمول کنار گذاشته شود، این گروه ابتکارات مناسبی برای رفع مشکل، در اختیار قرار می‌دهند و می‌توانند با بسیج منابع خود برخی از راه‌حل را در اختیار قرار دهند. باید به یاد داشت که این گروه با تلاشی که حداقل بار بار بر دوش منابع بخش دولتی - عمومی داشته است، به نیاز خود؛ یعنی تأمین سرپناه پاسخ داده‌اند. باید اصل بر این قرار گیرد که با هدایت و حمایت این خودباوری و

ارتقای توانایی‌ها و بهبود محیط زندگی این افراد در جهت یکپارچگی و پیوند با جامعه و اسکان رسمی، می‌توان بر مشکل موجود فایق آمد.

منابع و مأخذ

۱. احمدیان، محمد علی. (۱۳۷۱). «حاشیه نشینی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره سوم، مشهد، صص ۸۴۱-۸۱۹.
۲. احمدیان، محمد علی. (۱۳۷۰). *جغرافیای شهر بیرجند*، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۳. ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۱). حاشیه‌نشینان حرم (نگاهی به مساله اسکان غیر رسمی در شهر مشهد)، *فصلنامه مدیریت شهری*، شماره دهم، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، تهران.
۴. پیران، پرویز. (۱۳۶۶). آلونک نشینی در تهران، *مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، شماره‌های ۳۵-۳۲، تهران.
۵. حاتمی نژاد، حسین و محمد جعفر زمردیان. (۱۳۷۲). *بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی حاشیه نشینان شهر مشهد*، مشهد.
۶. حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۷۱). *طرح تحقیقی حاشیه نشینان تبریز*، مؤسسه تحقیقات شهری وابسته به کمیته علوم انسانی جهاد دانشگاهی دانشگاه تبریز، تبریز.
۷. حسین‌یون، ابوالقاسم. (۱۳۶۵). بررسی آبادی‌های تخلیه شده استان خراسان بعد از سال ۱۳۵۵، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره سوم، مشهد، صص ۱۳۲-۱۴۸.
۸. خوانساری، اسد. (۱۳۵۵). *بررسی جوامع حاشیه نشین در شهر شیراز*، پایان نامه لیسانس، استاد راهنما سعید زاهدانی، دانشگاه شیراز، گروه جامعه شناسی.
۹. ربانی، رسول و جواد افشارکهن. (۱۳۸۱). حاشیه نشینی و مشارکت اجتماعی شهری، *مجله فرهنگ اصفهان*، شماره بیست و سوم.
۱۰. زاهد زاهدانی، سید سعید. (۱۳۵۴). *حاشیه نشینان کرمان*، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
۱۱. _____ (۱۳۵۸). حاشیه نشینی و برنامه‌ریزی شهری، مرکز جمعیت شناسی دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۲. _____ (۱۳۶۹). *حاشیه نشینی در ایران*، دانشگاه شیراز، شیراز.
۱۳. زنجانی، حبیب الله و فریدون رحمانی. (۱۳۶۸). *راهنمای جمعیت ایران*، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۱۴. سازمان برنامه و بودجه آذربایجان غربی. (۱۳۵۳). *حاشیه نشینان شهر تبریز*، ارومیه.
۱۵. خواجه دلویی، منوچهر. (۱۳۸۳). *پرسمان*، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۶. شکوئی، حسین. (۱۳۶۵). «بزرگترین بخش زاغه نشینان جهان (۱)»، *مجله رشد آموزش جغرافیا*، شماره ۵، تهران، صص ۵۶-۵۷.
۱۷. _____ (۱۳۵۵). *حاشیه نشینان شهری*، انتشارات مؤسسه تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی دانشگاه تبریز.
۱۸. شهرداری بیرجند. (۱۳۸۶). *آمار جمعیتی محلات و مناطق شهری بیرجند*، شهرداری بیرجند.
۱۹. شیخی، محمد تقی. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی شهری*، تهران: انتشارات نورگیتی، چاپ اول.
۲۰. شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۵). *مقدمه ای بر برنامه‌ریزی شهری*، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران،

بررسی تحلیل حاشیه‌نشینی در شهر بیرجند، مطالعه موردی منطقه کارگران ۵۱

۲۱. شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۸). **با شهر و منطقه در ایران**، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۲۲. صرافی، مظفر. (۱۳۸۱). به سوی نظریه‌ای برای سازماندهی اسکان غیر رسمی، **فصلنامه هفت شهر**، شماره هشتم، تهران: انتشارات سازمان عمران و بهسازی شهری، صص ۱۸-۲۳.
۲۳. عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۲)، **تراکم در شهرسازی (اصول و معیارهای تراکم شهری)**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۴. علیزاده، محمد و کاظم کازرونی. (۱۳۶۳). **مهاجرت و شهرنشینی در ایران**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۲۵. فریدمن، جان و مایک داگلاس. (۱۳۶۳). **توسعه روستا- شهری**، سازمان مدیریت و برنامه ریزی، تهران.
۲۶. قلعه گلایی، هوشنگ و دیگران. (۱۳۵۰). **بررسی حاشیه نشینان شهری (وضع موجود)**، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
۲۷. گیلبرت، آلن و گالکر، ژوزف، مترجم پرویز کریمی ناصری. (۱۳۷۵). **شهرها، فقر و توسعه شهر نشینی در جهان سوم**، اداره کل روابط عمومی و بین المللی شهرداری تهران، تهران.
۲۸. مرکز آمار ایران. (سالهای مختلف ۱۳۳۸ تا ۱۳۸۵). **سرشماری عمومی نفوس و مسکن**، نتایج آماری شهر بیرجند، تهران.
۲۹. منصوریان، محمد کریم و سید علیرضا آیت اللهی. (۱۳۵۶). **حاشیه نشینان شیراز**، دانشگاه شیراز، شیراز.
۳۰. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران. (۱۳۵۱). **کپرنشینان بوشهر**، تهران.
۳۱. نباتی، قمر تاج. (۱۳۵۷). **مطالعه وضع مسکن حاشیه نشینان**، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شیراز، شیراز.
۳۲. نیرومند، مصطفی و محمد حسین حسینی کازرونی. (۱۳۵۳). **حاشیه نشینان اهواز**، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، اهواز.
۳۳. هریسون، پل، ترجمه شاداب وجدی. (۱۳۶۴). **درون جهان سوم**، انتشارات فاطمی، تهران.
۳۴. مرادی، محمود. (۱۳۷۲). **عوامل موثر در توسعه کالبدی بیرجند**، رساله کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی.
۳۵. مهندسین مشاور زیستا. (۱۳۸۳). **طرح جامع شهر بیرجند**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
۳۶. وفایی فرد، مهدی. (۱۳۸۰). **ساماندهی و برنامه ریزی بافت فضایی - کالبدی بافت تاریخی بیرجند**، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد.
۳۷. وزارت دفاع، اداره جغرافیایی ارتش. (۱۳۶۳). **فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور جمهوری اسلامی ایران ج ۷۶: بیرجند**، تهران.

38. Clinard, Marshal B.(1966) **Slum and Community Development in Self Help**. New York.

39. Elias, Jr. C. E.(1966) **Metropolis: Values in Conflict**. Belmont, California.

40. Knox, Paul (1988) **Places and Regions in Global Context**. New York.

41. Mathur, Prakash (1982) **Small Cities and Nations Development**. United Nations Center for Regional Development.

42. Salah el - Shakhs(1974)**Urbanization Development and Regional Planning in Africa**.

43. Tolly, George,(1989) **The Economic of Urbanization and Urban Policies in Developing Countries**, The World Bank, Washington.

44. United Nations(1998) **Urbanization Prospects**, New York.

45. United Nations(2000) **Development Report**, New York.

